



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۶/۰۲

داکتر رسول رحيم

با دانش جامع و پابندی صادقانه به آرمان‌های انتخاب شده می‌توان بر مشکلات پیروز شد

کنفرانس ملی جوانان برای صلح، امسال در اوضاع نهایت حساسی برگزار می‌شود. بخش قابل ملاحظه جوانان ما که در عرصه‌های مختلف اعمار صلح، آموزش‌های ارزشمند دیده‌اند، با توجه به بی‌نتیجه ماندن گفت‌وگوهای صلح دوحه و تاریک بودن سرنوشت کنفرانس صلح افغانستان به رهبری ملل متحد در استانبول، عملاً در این پروسه‌ها نقشی برای‌شان نمی‌یابند. دیگر به جای صلح، ثبات سیاسی و امنیت، این خشونت برهنه و وحشیانه، تفرقه خانه برانداز نخبگان حاکم سیاسی، خطر جنگ داخلی گسترده و از هم پاشیدن تمامیت ارضی کشور است که سیمای کابوس‌ناکی از آینده در ذهن مردم و روشنفکران ترسیم می‌کند.

در چنین اوضاعی یا مانند پار و پیرار و سال‌های گذشته که کنفرانس‌های سالانه جوانان با عناوین خاصی دایر می‌گردیدند و گاهی به دلیل القای یک فضای غیرسیاسی و بیشتر جشنواره‌گونه، نام‌های جذاب پارلمان و یا کانگرس جوانان به خود می‌گرفتند و سخنرانی‌ها نیز وظایف الزام‌آور مهمی فراروی شرکت‌کنندگان قرار نمی‌دادند، امسال نیز می‌توان ایده‌های فریبا و حرف‌های قشنگی را تکرار نمود و روزی را بر روزهای گذشته افزود. و یا اینکه آگاهانه مسئولیت‌هایی را پذیرفت که تاریخ امرانه بدوش جوانان می‌گذارد.

این گفته نجات بخش مارتین لوترکینگ رهبر جنبش سیاهان امریکا که در دهه 60 قرن گذشته منجر به شکستن زنجیر نژادگرایی و آپارتاید شده، تا هنوز در دهلیزهای تاریخ طنین انداز است که: «یکی از الزامات بزرگ تاریخ آن است که افراد زیادی در طول دوره‌های بزرگ تحول اجتماعی قادر به بیدار ماندن نیستند. هر جامعه حامیان وضعیت موجود و انجمن‌های افراد بی‌تفاوت را می‌داشته باشد که به خوابیدن در انقلاب مشهوراند. امروز بقای ما به بیدار ماندن، سازگاری با ایده‌های جدید، هوشیاری و مقابله با چالش تغییر بستگی دارد.»

جا دارد که با توجه به این آموزه بزرگ تاریخی که بر اصول بیداری، سازگاری با ایده‌های جدید، هوشیاری و مقابله با چالش‌های تغییر اتکا دارد، امسال به پیشوار کنفرانس ملی جوانان برای صلح برویم.

1 - اصل بیداری مستقیماً به آگاهی عمیق از علت‌العلل و وضعیت موجود ارتباط دارد. برعکس تصور شایع در بین برخی مردم، تداوم بیش از چهار سال جنگ در کشور ما و احتمال طولانی شدن غیر قابل پیش‌بینی آن ناشی از آن نیست که ما یک ملت نفرین شده می‌باشیم. ما در واقعیت امر، تاوان موقعیت جغرافیایی خود را در نقشه سیاسی کشورها می‌پردازیم. بیشتر از صد سال می‌شود که تحلیل‌گران جیوپولیتیک در مورد نارامی‌های طولانی این کشور گفته‌اند که یک بار به نقشه آسیا نگاه کنید و ببینید افغانستان در کجا و در مجاورت و نزدیکی کدام کشورها و کدام قدرت‌های جهانی قرار دارد. ما متصل با کشورهای آسیای مرکزی یعنی منطقه‌ای قرار داریم که روسیه حیاط خلوتی برای امنیت خود می‌داند. ما همسایه چین یعنی رقیب بالنده ایالات متحد امریکا می‌باشیم. ایالات متحد امریکا در استراتژی جهانی‌اش چین و روسیه را کشورهای متخاصم می‌شناسد و به طرق مختلف می‌کوشد جلو پیشرفت روز افزون آن‌ها را بگیرد. این کار بیشتر با اتکا به ویژگی‌های قومی و دینی آن شهروندان این کشورها که بیشتر مسلمان می‌باشند صورت می‌گیرد. بد بختانه کشور ما با تمهیدات مختلف سکوی درامه‌های خونین و میدان جنگ‌های نیابتی گردیده است. و بنابراین، تا زمانی که این اختلافات بین سه قدرت بزرگ جهانی به نحوی حل و فصل نگردد و جهان کنونی یک نظم متعادل جدید نیابد، سرنوشت افغانستان نیز نامعلوم می‌ماند، مگر اینکه در افغانستان واقعاً یک نیروی ملی عامل و معقول به وجود آید که نماینده راستین وحدت و تفاهم ملی بوده و متعهد به صلح منطقی و صلح جهانی باشد و بتواند جلو این سیلاب را ببندد.

علاوه بر این، دست کم به ارزش یک هزار میلیارد دالر منرال‌های قیمتی و خاک‌های نادر در معادن افغانستان وجود دارد که کشورهای بزرگ سرمایه‌داری هریک به سهم خود خواهان تصاحب انحصاری و ارزان آن می‌باشند. عامل سوم محصولات تریاک افغانستان است که فقط حدود سه تا چهار میلیارد دالر آن به سهامداران داخلی در افغانستان می‌رسد و قیمت فروش خرده آن در بازارهای اروپای غرب بیش از چند صد میلیارد دالرمی شود که آب کردن این مبلغ هنگفت پول سیاه در جهان کنونی بدون دست داشتن قدرتهای بزرگ ناممکن است.

د پانو شمیره: له 1 تر 2

تا زمانی که مردم افغانستان خود به قدرت واقعی مبدل نگردند و ابتکار عمل سیاسی را در دست نگیرند جنگ، هرج و مرج و بی ثباتی به درجات مختلف ادامه خواهد یافت و یک صلح پایدار به وجود نخواهد آمد.

اصل پذیرش ایده های جدید بدین معنی است که ما تاکنون با افکار عملاً شکست خورده که آمیزه ای از سنت های تاریخ زده، گرایش های محلی و تمایلات قومی و قبیله ای است، خواسته ایم، ملت یک پارچه و مصممی به وجود آوریم که بتواند در مصاف با چالش های عظیم و تاریخی روزگار ما سرفراز و کامیاب برآید. در حالی که همین اکنون نتایج چنین گزینه ای در ما یک حالت یاس و استیصال به وجود آورده است، ادامه آن به تباهی ما منجر خواهد شد. برای نجات از این وضع ما باید پارادیم یا الگوی فکری و تئوری هائی را که تاکنون بدان معتقد بوده ایم، به سود آن ایده ها و ارزش های جدیدی تغییر بدهیم که در عین نجات بخش بودن شان، امور واقعی و فشرده و چشیده تجارب تاریخی ملت های پیروزمند اند. در دو سال گذشته که به یک حساب می توان آن را مرحله رفتن به سوی صلح یا (peace making) خواند، جوانان کشور با وجودی که حدود 70 درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند، به دلیل آنکه هنوز به قسم یک نیرو تبارز نکرده بودند، یعنی به دلیل آنکه قادر نبودند مستقلاً مصدر تغییری در اراده نخبگان سیاسی و سایر گروه های اجتماعی گردند، در گفت و گوها و مذاکرات سیاسی جایگاه شایسته ای نداشتند. جوانان شرکت کننده در این پروسه یا به نمایندگی از پدران شان و یا گروه های جنگسالار و اداره حکومتی شرکت نموده بودند. پروسه صلح و رسیدن به صلح پایدار مستلزم زمان کفایت و دست کم پانزده سال را ایجاب می نماید. در این روند پر از فراز و نشیب مهمترین مرحله "اعمار صلح (peace building)" است که شامل پروسه های سرنوشت ساز دولت سازی، ملت شدن، انکشاف اقتصادی و تامین همبستگی و عدالت اجتماعی می باشد. خوشبختانه در این مسیر، تاریخ مددگار نسل جوان است. بنابراین برای شکل دادن به افکار نجات بخش کنونی و آتی تعیین اهداف عمده ضروری است. این اهداف که در حقیقت اوصاف دولت های مدرن با ثبات و مستقل می باشد، در ماده 2 - اعلامیه مشترک ترویکا توسعه یافته برای افغانستان در دوحه نیز ثبت گردیده است که علی رغم میل باطنی تائید صریح سه قدرت بزرگ جهانی یعنی امریکا، روسیه و چین را با خود دارد. در اعلامیه چنین تذکار یافته است: «ما قویاً از یک راه حل سیاسی دوامدار حمایت می کنیم که منجر به تشکیل یک افغانستان مستقل، دارای حاکمیت، متحد، صلح آمیز، دموکراتیک، بیطرف، خودکفا، عاری از تروریسم و یک صنعت مواد مخدر غیرقانونی گردد، که با ایجاد یک فضای امن برای برگشت داوطلبانه، سریع و دوامدار مهاجران افغان از طریق یک برنامه دارای منابع کافی، برای ثبات و امنیت جهانی کمک کند».

اصل هوشیاری: یعنی با چشم و فکر باز به مسائل و موضوعات نگاه کردن. شناسایی، تعریف و تصنیف آن مشکلاتی که تاکنون موجب بی ثباتی سیاسی، نفاق ملی، پامال شدن استقلال و تجاوز بیگانگان به کشور ما شده اند. ارائه پاسخ های پرتامل، سنجیده، روشن و حلال مشکلات به معضلات جاری کشور. انصراف از هرگونه مسامحه و مبالغه در قضایائی که برای بقای کشور و وحدت ملی جنبه حیاتی دارند.

اصل مقابله با چالش های تغییر. ناگفته پیداست که طلیه داران یک جنبش جدی و فراگیر جوانان برای تغییر، هم با چالش های فکری دشوار در گشایش راه پر سنگلاخ به سوی آینده مطلوب مواجه خواهند شد و هم با کارشکنی ها و سنگ اندازی های نخبگان و قدرتمندان بیکاره و جاه طلب و عمال بیگانگان. فقط با یک دانش جامع و اکادمیک، پشتکار خستگی ناپذیر، پابندی صادقانه به آرمان های انتخاب شده، ایجاد پیوندهای دایمی، عمیق و گسترده با مردم عادی و جلب حمایت آن هاست که می توان بر مشکلات پیروز شد.

جوانان با همت افغانستان فقط به مدد آرمان های واقعی و نجات بخش است که می توانند از خفقان کابوس آلود کنونی که محصول بی تفاوتی نخبگان سیاسی، سود جو، مسئولیت ناپذیر و بیگانه پرست است، خود و مردم خود را نجات بدهند و گام های فرسخی به سوی یک صلح پایدار بردارند.